

تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم و هوشمند)

حسین فتاحی اردکانی^۱

حسین مسعودنیا^۲

سیدجواد امام جمعه زاده^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲

چکیده

بررسی و تجزیه و تحلیل مفهوم قدرت یکی از موضوعات اساسی و مورد علاقه اندیشمندان حوزه علوم سیاسی بوده است. پژوهش حاضر درصدد تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخگویی به این سؤال مهم است که قدرت چیست، دارای چه وجوهی است و هرکدام از این وجوه دارای چه منابعی هستند؟ یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده این واقعیت است که در نظر اندیشمندان مختلف و به‌خصوص نای، قدرت دارای سه وجه سخت، نرم و هوشمند است. حرکت جریان قدرت از منابع سخت آن شامل اجبار، تهدید و استفاده از ابزارآلات نظامی به سمت اقناع، تولید جذابیت و استفاده از ابزارهای نرم مانند فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوبیت‌های سیاست خارجی و در نهایت استفاده از راهبردی بهینه و مدیریتی مدبرانه از منابع قدرت که از آن به قدرت هوشمند تعبیر می‌شود، بوده است. این سیالیت، از حالتی به حالت دیگر در آمدن و تغییرات دائمی قدرت، ناشی از جوهر قدرت و تغییرات

h-fattahi@ardakan.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

javad@ase.ui.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

ایجاد شده در بازیگران و محیط پیرامونی آن است. به طوری که مفهوم قدرت در هر زمانی در حال تغییر شکل و بازسازی خود مطابق با شرایط محیطی و بازیگران آن است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی _ تحلیلی و استفاده از شیوه مطالعه کتابخانه‌ای، کوشیده است تا با استفاده از منابع علمی و پژوهشی معتبر به این سؤال پاسخ دهد و به ارزیابی و تحلیل نظریه نای بپردازد.

۱۳۱

دو فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

واژگان کلیدی: جوزف نای، قدرت، قدرت سخت، قدرت نرم، قدرت هوشمند

مقدمه

بررسی موضوع قدرت و دیگر مسائل پیرامون آن از مهم‌ترین اهداف مطالعات بشر در طول دوران زندگی بوده است. این موضوع به قدری مورد توجه و درعین‌حال بر زندگی و کنش‌های انسان تأثیرگذار بوده است که همه آنچه را که بشر به آن می‌اندیشد را شامل می‌شود و این نگاه به قدرت و سیالیت و از حالتی به حالت دیگر در آمدن آن در همه ابعاد زندگی بشر هر روز بیشتر از روز قبل دامنه‌ای وسیع‌تر و مفهومی گسترده‌تر یافته است. برای دریافت مفهوم قدرت باید آن را تعریف کرد و تعریف مفهوم قدرت به علت ماهیت و ساختار خاص آن بسیار متنوع و گسترده است، به طوری که در طول دوران زندگی بشر از ابتدا تا کنون طیف گسترده‌ای از معانی برای آن ساخته شده است. تا قبل از طرح نظریه قدرت نرم از سوی جوزف نای تعریف قدرت حول محور توانایی و اراده بر انجام کار یا تحمیل خواست خود به طرف مقابل تعریف می‌شد. نای با نگاهی نو و موشکافانه به قدرت در ورای دوران رئالیستی روابط بین‌الملل و در راستای کمک به ایالات متحده برای حفظ قدرت خود، مفهوم قدرت نرم را مبتنی بر اقتناع و تولید جذابیت به کار برد و پس از آن در یک نتیجه‌گیری از استفاده بهینه و مدیریت شده قدرت در عصر حاضر، قدرت هوشمند را ابداع می‌کند. اهمیت اندیشه نای در حوزه قدرت بر این مفهوم استوار است که شرایط امروزی، کشورها را وادار به اعمال اشکال جدید قدرت کرده است و در نظر گرفتن عناصری چون هزینه، زمان، وجهه بین‌المللی، اولویت یافتن همکاری و گستردگی و پیچیدگی ارتباطات و افزایش اطلاعات، کشورها را به سمت نگاهی نو به موضوع قدرت کشانده است. بنابراین امروزه همه دولت‌ها به خصوص آن‌هایی که به صورت بالقوه دارای منابع متعدد قدرت هستند، سعی بر شناسایی منابع قدرت خود دارند و هدف آن‌ها، استفاده بیشتر از منابع قدرت نرم و هوشمند برای نیل به اهداف خود است. تحلیل و ارزیابی نظریات نای در حوزه مفهوم قدرت، نشان‌دهنده این موضوع است که در دوران جدید در واقع عرصه ظهور قدرت محدود نشده بلکه شکل و کیفیت اعمال قدرت تغییر کرده است (شهرستانی، ۱۳۹۱: ۱۰۵). بنابراین نای با دقت و موشکافی در سیر تطورات مفهوم قدرت و نشان دادن منابع تغذیه‌کننده آن در سه وجهه سخت، نرم و هوشمند همچنان بر جریان مداوم اعمال قدرت به کیفیت‌های مختلف تأکید داشته اما دیگر دولت‌ها را مختار در اعمال قدرت نمی‌داند. از اینجا است که نای وارد مفهوم قدرت نرم و پس از آن قدرت هوشمند

حسین مسعودی و همکاران

تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم و هوشمند)

می‌شود و شرکای تازه‌ای را برای کمک به دولت‌ها در اعمال قدرت معرفی می‌کند تا بتواند چهره‌ای زیبا و اقناع‌کننده از اعمال قدرت دولت‌ها را نشان دهد. در این مقاله سعی بر این است که ضمن توجه به نظرات اندیشمندان مختلف در بررسی مفهوم قدرت با بهره‌گیری از نظریه جوزف نای مفهوم قدرت، وجوه متشکله و منابع تشکیل‌دهنده هرکدام را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم. برای پاسخ به پرسش پژوهش در ادامه، ابتدا روش و چارچوب نظری پژوهش شرح داده می‌شود و سپس به تبیین و تعریف مفاهیم می‌پردازیم. در ادامه انواع قدرت و منابع تشکیل‌دهنده آن را شرح می‌دهیم و در نهایت با ارائه یک جدول مقایسه‌ای به سیر تطورات مفهومی قدرت و منابع تشکیل‌دهنده آن در نظر نای می‌پردازیم.

هدف تحقیق

هدف پژوهش حاضر نقد و تحلیل گفتمان قدرت (سخت، نرم، هوشمند) و شناسایی منابع تشکیل‌دهنده هرکدام از نظر جوزف نای است و تلاش دارد تا ضمن بررسی مفهوم قدرت سیر شکل‌گیری منابع سه‌گانه قدرت را شناسایی و بررسی نماید.

سؤال اصلی تحقیق

برای نیل به اهداف فوق، این پژوهش بر مبنای پرسش زیر سامان‌دهی شده است: از منظر جوزف نای قدرت چیست، دارای چه وجوهی است و هرکدام از این وجوه دارای چه منابعی هستند؟

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کیفی استفاده شده است که در آن به طبقه‌بندی، ارزیابی، مقایسه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود تا از این طریق فرضیه پژوهش آزموده شود. از نظر ماهیت، این پژوهش از نوع توصیفی و تبیینی است. در تحقیق توصیفی وضعیت مورد نظر بررسی شده و به توصیف نظام‌مند آن پرداخته می‌شود. در تحقیقات تبیینی با استفاده از منابع معتبر تلاش می‌شود تا ویژگی‌های پدیده‌های سیاسی و دلایل بروز آن‌ها توضیح داده شود (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۶۷).

پیشینه تحقیق

مطالعات داخلی

دانش‌نیا (۱۳۹۵) در پژوهش «قبض و بسط مفهوم قدرت در سامان فکری جوزف نای» ضمن معرفی دیدگاه نای پیرامون قدرت، قبض و بسط این مفهوم در سامان فکری وی، کاستی‌های فلسفی، نظری و عملی دیدگاه او و نسبت اندیشه‌هایش با بحث‌های تئوریک قدرت را در روابط بین‌الملل

واکاوی می‌کند. مدعای پژوهش این است که تکاپوی نای در حوزه قدرت امکانات جدیدی را برای فهم قدرت و رای نظریه‌پردازی اندیشمندان کلاسیک از این مفهوم ارائه نمی‌دهد، بلکه پویای فکری وی در حد بازتعریف و بسط سازوکارهای اعمال اراده‌گرایانه قدرت قابل فهم است.

آدمی و قرشی (۱۳۹۵) در پژوهش «افول قدرت نرم آمریکا: شاخص‌ها و مؤلفه‌ها» در پاسخ به این پرسش که شاخص‌ها و دلایل افول قدرت نرم آمریکا چیست، بر اساس نظریه قدرت نرم جوزف نای این فرضیه را دنبال می‌کند که اگرچه آمریکا از پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل خود در اجرای سیاست‌هایش استفاده کرده و در پی افزایش نفوذش در شکل اقناع دولت‌ها و ملت‌های جهان است، اما اجرای سیاست‌های داخلی و خارجی ناسازگار با اولویت‌های ارزشی و فرهنگی مورد ادعای این کشور، قدرت اقناع‌کنندگی آن را رو به افول کشانده است.

خرمی (۱۳۸۸) در پژوهش «معنای قدرت هوشمند و جایگاه آن در راهبرد بین‌المللی ایالات متحده» معتقد است که استفاده صرف از قدرت نظامی طی سال‌های دهه ۱۹۹۰ و دهه نخست قرن ۲۱ باعث افول جایگاه و نفوذ ایالات متحده در جهان شد. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، با ناکارآمدی رویکرد نظامی و یک‌جانبه‌گرایی نئومحافظه‌کاران در عرصه سیاست خارجی، ضرورت تغییر سیاست خارجی آمریکا از سوی دموکرات‌ها مطرح شد. طی سال‌هایی که قدرت نظامی آمریکا در عراق و افغانستان موفق نبود، مفهوم جدیدی از سوی نخبگان فکری ایالات متحده مطرح شد که توجه صرف به قدرت نظامی را اشتباه قلمداد می‌کرد. این مفهوم که قدرت هوشمند نام گرفت، از ترکیب دقیق دو قدرت سخت و نرم به وجود می‌آید و بر استفاده هوشمندانه از ابزارهای این دو قدرت تأکید دارد.

مطالعات خارجی

یاوسلان^۴ و ستین^۵ (۲۰۱۶) در کتاب «مفهوم قدرت نرم و شاخص قدرت نرم» معتقد است برای بسیاری از دولت‌ها منابع قدرت در سطح داخلی و بین‌المللی باقی مانده است. حتی اگر هر دو سیاست استفاده از قدرت‌های سخت و نرم مورد توجه قرار گیرد قدرت نظامی و اقتصادی به ذهن نزدیک‌تر است. قدرت نرم که برای اولین بار توسط جوزف نای مورد استفاده قرار گرفت (محدود به تغییر: ماهیت قدرت آمریکایی. کتاب اصلی، ۱۹۹۰)، از دو قدرت قبلی مهم‌تر است و به سرعت به قدرتی برای نیازهای امروز و حفظ نظم جهانی تبدیل شده است. بسیاری از کشورهایی که به اهمیت قدرت نرم پی برده‌اند برای توسعه منابع قدرت نرم کار می‌کنند.

هلم^۶ (۲۰۱۶) در کتاب «قدرت نرم و امپراطوری» می‌گوید قدرت نرم اشاره به تأمین امنیت نفوذ خارج از کشور با اجبار و یا جاذبه و نه با تهدید و نیروی نظامی یا تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل

4. Yavuzaslan, Kiymet

6. Murat Cetin

6. Holm, Michael

است. از لحاظ تاریخی، روش‌های امپراتوری در استفاده از توانایی تکیه بر قدرت نرم متنوع است. قدرت نرم مانند یک وسیله نقلیه از سوی قدرت‌های بزرگ هدایت می‌شده است به خصوص هنگامی که با ایدئولوژی سیاسی الهام‌بخش و در ترکیب با فرهنگ جذاب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و آموزش کمک‌های توسعه و دیپلماسی غیر تهدیدکننده در دسترس بوده است.

واتانابه^۷ و مک کانل^۸ (۲۰۱۵) در کتاب «قدرت نرم ابرقدرت‌ها» توضیح می‌دهد قدرت نرم آمریکا و ژاپن چگونه آن‌ها را به یکی از موفق‌ترین کشورها در برقراری روابط دوجانبه در سطح جهان تبدیل کرده است. حمایت شورای پژوهش علوم اجتماعی آمریکا و مرکز بنیاد ملی ژاپن در مشارکت جهانی و همین‌طور کمک مردم شناسان، مورخان، اقتصاددانان، دیپلمات‌ها و دیگران نشان می‌دهد که چگونه، کشف چند محور قدرت نرم در رابطه آمریکا و ژاپن و بین ایالات متحده و ژاپن و دیگر مناطق جهان را به ارمغان آورده است. در این خصوص نشان دادن نقش مهم بازیگران غیردولتی در اعمال قدرت نرم بسیار مهم است.

ارزیابی پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه اندیشه‌ای جوزف نای نشان می‌دهد که در این پژوهش‌ها عمدتاً نظریه قدرت نرم نای مورد توجه قرار گرفته است و از تحولات ذهنی نای در حوزه عام مفهوم قدرت و سیر آن تا رسیدن به قدرت هوشمند مغفول مانده است. در این پژوهش نظریه نای در مورد قدرت به صورت سه وجهه آن یعنی سخت، نرم و هوشمند مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سیر اندیشه‌های وی در حرکت از قدرت سخت و گذار از قدرت نرم و ارائه ترکیب مؤثر قدرت هوشمند مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین در این پژوهش به طور ویژه منابع تشکیل دهنده هر یک از وجوه قدرت از دید نای شرح داده می‌شود و در نهایت در یک جدول به صورت تطبیقی این وجوه سه‌گانه مورد مقایسه قرار می‌گیرند، امری که در پژوهش‌های پیش‌گفته مغفول مانده و یا کمتر به آن توجه شده است.

۱- چارچوب نظری

۱-۱ مفهوم لغوی قدرت

در ابتدایی‌ترین تعریف از واژه قدرت، معنی توانایی و توانستن بر انجام کاری به ذهن متبادر می‌شود. فرهنگ‌های زبان فارسی، واژه قدرت را در مفاهیم «توانستن»، «توانایی داشتن» که معنی مصدری آن است و «توانایی» که اسم مصدر است به کار برده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۳). گاهی نیز مترادف کلمه «استطاعت» و به معنی قوه‌ای که واجد شرایط تأثیرگذاری باشد به کار رفته است و بعضاً به

7 . Watanabe, Yasushi

8 . David L. McConnell

«صفتی که تأثیر آن بر وفق اراده باشد» معنی شده است (معین، ۱۳۸۸: ۱۹۷). همچنین دیکشنری آکسفورد قدرت را توانایی انسان برای انجام کاری یا عملی، کنترل بر روی دیگران، توانایی فرد، گروه، کشور و یا دولتی برای نفوذ و اثرگذاری زیاد تعریف کرده است (کویی^۹، ۱۹۸۹: ۹۷۰). در مجموع می‌توان گفت که مفهوم قدرت در فرهنگ لغات فارسی و عربی مبتنی بر اراده و توانایی انسان در انجام کار و یا مغلوب ساختن دیگری و کسب مطلوب، تعریف و معنی شده است.

۱-۲ تعریف قدرت

برای تعریف قدرت، دامنه گسترده‌ای از مفاهیم رو در روی ما وجود دارد. مسئله اساسی در تعریف قدرت این است که، دقیقاً قدرت از چه زمانی وجود داشته است؟ آیا تشکیل دولت باعث وجود قدرت شده یا قبل از آن هم وجود داشته است؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که از ابتدای خلقت انسان، روابط مبتنی بر قدرت که موجد قدرت بوده‌اند وجود داشته است. در روابط انسانی از ابتدا تا کنون همواره کنش‌ها با واکنش‌هایی متفاوت همراه بوده است. به طوری که برد و باخت در کنار بده بستان در روابط انسانی تا الآن ادامه داشته است. این بده بستان‌ها و برد و باخت‌ها نشان‌دهنده دست به دست شدن و مبادله‌های مبتنی بر قدرت بین انسان‌ها بوده است. تا جایی که اعمال قدرت در روابط انسانی علاوه بر اراده‌مند بودن آن موجب تأیید و یا از بین رفتن اراده‌ها می‌شود. اندیشمندان حوزه علوم سیاسی و اجتماعی تعاریف متعددی از قدرت را ارائه داده‌اند. برخی قدرت را مترادف توان ایجاد تغییر یا ایستادن در برابر آن می‌دانند و برخی نیز آن را مترادف توانایی دست‌یابی به خواسته‌ها دانستند (نای، ۱۳۹۲: ۴۶). دو ورژن می‌گوید: «مفهوم قدرت بسیار وسیع و مبهم است. مثلاً رئیس دولت صرفاً فرمانروا و قدرتمند است، شهروند ساده صرفاً فرمانبر و تحت قدرت است و بقیه افراد هم فرمانبرند و هم فرمانده» (دو ورژن، ۱۳۵۸: ۲۰ و ۲۱). در یک تعریف «قدرت در عریان‌ترین شکل خود عبارت است از استفاده از خشونت، ثروت و دانایی برای واداشتن مردم به انجام امری خاص» (تافلر^{۱۰}، ۱۳۷۵: ۲۷). در تعریفی دیگر، برتراند راسل^{۱۱} قدرت را ایجاد اثرات مطلوب تعریف می‌کند (راسل، ۱۳۶۷: ۵۷). در نزد وی قدرت مفهومی کمی فرض می‌شود. از این منظر (الف) قدرت افزون‌تری از (ب) دارد، چنانچه بتواند اثرات موردنظر بیشتری را از آنچه (ب) کسب کرده حاصل نماید (تاجیک، ۱۳۷۷: ۹۲). تعاریف فوق نشان‌دهنده تقسیم قدرت به توانایی‌های مادی و

9. Cowie

10. Alvin Toffler

11. Bertrand Russel

معنوی^{۱۲} (زنجانی، ۱۳۶۶: ۵۶) است همان‌طور که در برخی از تعاریف دیگر ماهیت و جوهره قدرت مدنظر بوده و در برخی دیگر ابزارمندی قدرت مدنظر است. نوع زاویه دید اندیشمندان به موضوع قدرت باعث به وجود آمدن گفتمان‌های متعدد حول محور موضوع قدرت شده است. اینکه در دوره‌های مختلف کدام گفتمان از قدرت مسلط بوده است را می‌توان از منظر تاریخی مورد بررسی قرار داد.

۲- یافته‌های پژوهش

۲-۱- بررسی مفهوم قدرت از منظر نای

شناسایی مفهوم قدرت همیشه از سوی اندیشمندان این حوزه همراه با جداسازی و تقسیم‌بندی روبرو بوده است. چرا که کارکرد قدرت در دوره‌های زمانی مختلف و اشکال متفاوتی که از خود نشان داده است باعث بروز این تفکیک و تمایز ساختاری شده است و قدرت در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و نظامی دارای کارکردهای متفاوتی است. هرچند به نظر می‌رسد هدف اصلی اعمال قدرت کسب دستاوردهای اعمال‌کننده آن است ولی چگونگی اعمال آن و محل به‌کارگیری آن باعث به وجود آمدن انواع قدرت شده است. عمده‌ترین تقسیم‌بندی که از قدرت شده است تقسیم آن به دو نوع سخت و نرم است (نای، ۱۳۹۲: ۳۳). در این تقسیم‌بندی منابع و رفتار دولت‌ها برای اعمال قدرت مدنظر قرار گرفته است. در حقیقت این منابع مادی و معنوی و رفتارهای خاص دولت‌ها هستند که اقدامات قدرتمندانه از خود بروز می‌دهند. براین مبنا منابع قدرت صرفاً مواد خامی مشهود یا غیر مشهودند، و یا محمل‌هایی بسترساز مناسبات قدرت. منجر شدن یا نشدن مجموعه‌ای معین از منابع به نتایج دلخواه بستگی به رفتارهایی شرایط مدار دارد (نای، ۱۳۹۲: ۳۱). نای پس از این تقسیم‌بندی به نوع سومی از قدرت تحت عنوان قدرت هوشمند^{۱۳} اشاره می‌کند. وی می‌گوید: «من در سال ۲۰۰۴ با طرح اصطلاح قدرت هوشمند و به قصد مقابله با سوء برداشتی دال بر کفایت تنها قدرت نرم برای یک سیاست خارجی کارآمد، این مفهوم را مترادف توانایی تلفیق منابع قدرت سخت و نرم برای دستیابی به راهبردهایی کارگشا عنوان کردم» (نای، ۱۳۹۲: ۴۹). بنابراین قدرت هوشمند شناسایی هر دو نوع قدرت سخت و نرم و استفاده از آن‌ها در شرایط مختلف برای رسیدن به نتیجه است. نگاه نای به قدرت بر مبنای نگرشی فرا رئالیستی است که امروزه می‌توان نمود بارز آن را در عملکرد دولت‌های قدرتمند جهانی مشاهده نمود. در حقیقت بهره‌برداری از توانایی‌های نرم و جلب نظر و

۱۲. قدرت مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی است که موجب به اطاعت درآوردن فرد یا گروه توسط فرد یا گروه دیگر می‌شود.

رأی دیگران در ساماندهی به خواسته‌های خود در محیط بین‌المللی اساس موفقیت و کسب مطلوبیت را در دیدگاه نای تشکیل می‌دهد. از این‌رو نای ضمن تقسیم‌بندی سه‌گانه قدرت در نهایت به بهترین و کارآمدترین نوع آن یعنی قدرت هوشمند اشاره می‌کند و در ارائه طریق به کشورها به خصوص ایالات متحده حرکت در این مسیر را تجویز می‌نماید.

۱-۱-۲ قدرت سخت

در اندیشه نای قدرت سخت را می‌توان قدرت کمی دانست. تحلیل‌گران گوناگون سال‌ها برای دستیابی به فرمول‌هایی برای کمی کردن قدرت در مناسبات جهانی و سنجش آن کوشیده‌اند (نای، ۱۳۹۲: ۲۴). مفهوم قدرت سخت متعلق به دورانی است که دیدگاه رئالیستی در مورد شرایط و اوضاع حاکم بر محیط بین‌المللی وجود داشت. تا پایان حاکمیت نظم دوقطبی و منطق جنگ سرد بر محیط بین‌الملل، تفسیر سخت‌افزارانه رئالیستی از قدرت چیرگی داشت و میزان عده و عده نظامی بازیگران و غنای زرادخانه‌هایشان سنگ محک قدرت آن‌ها به شمار می‌آمد. به عبارت دیگر، دولت‌ها مقوله قدرت ملی را در قالب توانمندی نظامی‌شان عینیت می‌بخشیدند، غافل از اینکه چنین نگاه مضیق و یکسویه‌ای به قدرت، آنان را به ورطه یک تسابق بی‌انتهای تسلیحاتی خواهد کشاند و در گرداب معمای امنیتی گرفتار خواهد کرد تا جایی که انباشته هرچه بیشتر ادوات نظامی با هدف تولید امنیت در یک محیط آناشیک، خود به آتش نامنی دامن می‌زند (بایلیس^{۱۴}، ۲۰۰۱: ۲۵۶-۲۵۸). بنا بر این دیدگاه قدرت سخت عبارت است از توان اجبار با توسل به اقدامات، ابزارها و تصمیمات آشکار و مستقیم. مبانی نگرش واقع‌گرایی، مهم‌ترین منبع فکری قدرت سخت است. مهم‌ترین ویژگی قدرت سخت، عریان و نمایان بودن منابع آن است. گسترش تسلیحات نظامی و سخت‌افزاری، تصویب بودجه‌های هنگفت برای ارتقای سامانه‌های جنگی، افزایش نیروهای نظامی آماده به رزم و احتیاط و اهمیت یافتن روش‌های میلیتاریستی در حکومت داری و سیاست خارجی، جنبه‌های عریان و آشکار استفاده از قدرت سخت هستند. چنین جنبه‌هایی برای کشورها کاملاً شناخته شده و قابل اندازه‌گیری هستند. در مجموع فضای ذهنی و گفتمانی عصر رئالیستی روابط بین‌الملل، به بازسازی گفتمان قدرت سخت و اهمیت بخشیدن به گزاره‌های آن کمک می‌کرد.

۱-۱-۱-۱ منابع قدرت سخت

منابع قدرت سخت هر کشوری به طور طبیعی قابل دیدن، اندازه‌گیری و شمارش هستند، به سخن دیگر در مطالعه و تحلیل قدرت کشور، غالباً عناصر محسوس قدرت (قدرت سخت) را به عنوان ارکان اصلی قدرت یک کشور در نظر می‌گیرند (ژانگ، ۲۰۰۱: ۱۱۷). به‌طور کلی منابع ملازم با قدرت سخت

دربدارنده عناصری مادی و ملموس چون زور و پولند (نای، ۱۳۹۲: ۴۷). عواملی مانند وسعت جغرافیایی، اقتصاد قوی مبتنی بر روابط گسترده تجاری و بازرگانی، جمعیت زیاد و ایستایی حکومت از دیگر منابع قدرت سخت به شمار می‌آیند. البته قابلیت‌های اقتصادی گاه به مثابه منبع قدرت سخت و گاه به مثابه منبع قدرت نرم به کار گرفته شده است. این نکته زمانی پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم چه توانمندی نظامی و چه اقتصادی هر دو ممکن است به نحوی به کار گرفته شوند که به مثابه منبع قدرت نرم عمل کنند (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۹). نوع استفاده و نحوه عملکرد کشورها در حوزه منابع قدرت سخت می‌تواند ماهیت سخت و نرم قدرت را تعیین کند. به طوری که وضع تحریم‌های اقتصادی علیه دیگر کشورها می‌تواند نشان‌دهنده استفاده سخت افزارانه از اقتصاد باشد و کمک‌های اقتصادی بشردوستانه برای رفع نیازهای اولیه انسان‌ها نیز می‌تواند استفاده نرم افزارانه از اقتصاد و در حوزه قدرت نرم باشد. همین‌طور حضور نیروهای مسلح حافظ صلح و امنیت را می‌توان استفاده نرم افزارانه از نیروهای نظامی دانست در حالی که حضور همین نیروها در جوار مرزهای کشور دیگر می‌تواند ماهیتی سخت‌افزارانه و تهدید گونه برای آن کشور داشته باشد. نگاه نای به مفهوم قدرت سخت و منابع آن ناشی از نگاه اندیشمندان رئالیست به حوزه قدرت، توانایی و عمل‌گرایی است. البته نای در همین نگاه سخت نیز نیم‌نگاهی به امکان استفاده از منابع قدرت سخت به عنوان مکمل‌های توانایی محور و نرم‌افزارانه (مانند اقتصاد) دارد و سعی می‌کند تا زمینه را برای طرح جدیدی از چهره قدرت که همان قدرت نرم است آماده نماید. همچنین نای اشاره می‌کند که باقی ماندن بر توانایی‌های قدرت سخت برای دولت‌ها امری دشوار خواهد بود. بنابراین محور توانایی سخت‌افزارانه باید به محور توانایی نرم‌افزارانه تبدیل شود.

۲-۲ قدرت نرم

مفهوم تازه قدرت در اندیشه نای از جایی سرچشمه می‌گیرد که او آن را "توانایی تغییر رفتار" در برابر توانایی انجام کار یا "اجبار کنندگی" می‌داند. وی معتقد است که در آینده، قدرت از آن کسی است که بتواند در رفتار دیگر بازیگران توانایی ایجاد تغییرات دلخواه خودش را ایجاد کند و از اجبار کنندگی عریان دور باشد، هر چند در نتیجه هرکدام از آن‌ها دولت به مطلوبیت‌های خود دست پیدا می‌کند. این موضوع همان تغییر ذهنیت‌ها و در نتیجه تغییر رفتارهای دلخواهانه است. در حقیقت در بطن اعمال قدرت نرم، از دیگران برای همکاری در جهت نیل به اهداف استفاده می‌شود و همکاری جای خود را به اجبار می‌دهد. پس ایجاد حس ترغیب به همکاری نقش مهمی در اعمال نرم افزارانه قدرت دارد. بنابراین نای معتقد است که اثبات قدرت در گروهی منابع قدرت نیست، بلکه در توانایی تغییر رفتار دولت‌های دیگر است (نای، ۱۳۸۲: ۳۶۵) و مفهوم قدرت نرم متولد می‌شود. بر همین اساس در اندیشه نای، قدرت نرم چهره‌ای نرم افزارانه و جذاب دارد. این چهره از قدرت در مقابل رفتار تحکم‌آمیز قدرت قرار دارد که می‌توان آن را قدرت جذب‌کنندگی "قدرت نرم" نامید (نای، ۱۳۸۷).

۱۰۰). بنابراین قدرت نرم، عبارت است از توان اثرگذاری بر دیگران از طریق اهرم‌های تعیین چارچوبی مشخص برای برنامه کار، ایجاد رغبت و جاذبه مثبت در راستای کسب نتایج دلخواه (نای، ۱۳۹۲: ۴۷). نای معتقد است قدرت نرم روشی است برای رسیدن به نتایج دلخواه بدون تهدید و تشویق آشکار و محسوس. نگاه نای به مفهوم نرم‌افزاران قدرت نگاهی مبتنی بر جذب و اغواگری است. نتیجه اغواگری فرهنگی، سیاست خارجی موفق و در نهایت کسب مطلوبیت‌ها در حوزه‌های مختلف است. مدل نای در تقسیم‌بندی منابع قدرت نرم مبتنی بر عمل‌گرایی ایالات متحده در این حوزه است. همان مدلی که در نهایت به فروپاشی شوروی منجر شد و انقلاب‌های رنگین را به وجود آورد و آمریکا را به مطلوبیت‌های خود رساند. اشاره نای به منابع سه‌گانه فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی ناشی از احاطه وی بر اندیشه لیبرالیسم و عمل‌گرایی موجود در سنت جامعه‌شناسی آمریکایی است. اصولاً نای این پیشنهاد را در راستای تقویت قدرت آمریکا در جهان و پس از دوران جنگ سرد می‌داند و در همین راستا از آنچه به عنوان قدرت حقیقی آمریکا و جهان آزاد است به عنوان مدلی برای تقویت قدرت آمریکا مورد اشاره قرار می‌دهد. ارزش‌های آمریکایی را امروزه در همه جای جهان می‌توان یافت و این امر حاکی از اغواگری شدید ارزش‌های مبتنی بر نظریه قدرت نرم نای در سطح بین‌المللی است. اما معلوم نیست که جذابیت و اقتناع مورد نظر نای در قدرت نرم مبتنی بر ویژگی‌های ذاتی این نوع قدرت است یا از بایسته‌های اغواگرانه و کاذب سرچشمه می‌گیرند. در ظاهر نای از ویژگی‌های ذاتی فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی به عنوان منابع قدرت نرم یاد می‌کند اما آنچه امروزه شاهد آن هستیم و از سوی کشورهای چون آمریکا ارائه می‌شود، تولید و القای جذابیت‌های کاذب و اغواگرانه فرهنگ و سیاست غربی در راستای نفوذ و جذب دیگران است. در حقیقت آنچه امروزه بیشترین جذابیت بصری و حسی را تولید می‌کند، فرهنگ آمریکایی است که در حقیقت نه چندان جذاب اما در واقعیت بسیار جذاب و اغواکننده است.

۲-۲-۱ منابع قدرت نرم

از دید نای منابع قدرت نرم هر کشوری تا حد زیادی ریشه در سه منبع بنیادین دارد: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی (نای، ۱۳۹۲: ۱۲۲). در حقیقت این سه منبع غیرمادی و نامحسوس در مقابل منابع مادی و محسوس قدرت سخت از جمله ابزار و ادوات نظامی قرار می‌گیرند. این سه منبع اصلی می‌توانند به کشورها برای رسیدن به اهداف مطلوب خود در سطح بین‌المللی کمک کرده و هر کشوری که سطحی مناسب از این ابعاد را در اختیار داشته باشد، به نحو مطلوبی می‌تواند در برابر جریان‌ها و تهدیداتی از جنس نرم مقاومت کند و علاوه بر آن به بازتولید قدرت به‌ویژه از جنس نرم بپردازد (سوری قزلیوند و رشیدی، ۱۳۹۰: ۷). با این تقسیم‌بندی از منظر نای در صورتی این سه عنصر می‌توانند منابع تولیدکننده قدرت نرم برای کشورها باشند که دارای ویژگی‌هایی خاص باشند. یعنی فرهنگ باید دارای گزاره‌هایی جذاب و قابل پذیرش برای مردمان

دیگر کشورها و با فرهنگ‌های متفاوت باشد. برای ارزش‌های سیاسی باید هم در داخل و هم در خارج از کشور وفادارانی پر و پا قرص برای عمل به آن‌ها وجود داشته باشند و سیاست خارجی هم باید مورد پذیرش دیگر کشورها قرار گرفته و دارای منبع مشروعیت‌بخش که احتمالاً همان قانونی بودن است، باشد. در کل این سه عنصر باید قدرت اغواکنندگی را در خود داشته باشند تا دیگران را ترغیب به پذیرش از سوی خود کنند.

۱-۱-۲-۲ فرهنگ

نای معتقد است وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل شوند و بنیاد سیاست‌های آن را علائق و ارزش‌های مشترک جهانی تشکیل دهند، احتمال اینکه نتایج مطلوب تحصیل شود، افزایش می‌یابد (نای، ۱۳۸۹: ۵۲). بررسی‌ها حکایت از اهمیت فرهنگ و مطالعات فرهنگی در حوزه سیاست و اجتماع دارد و این امر تأثیر فرهنگ بر شاکله رفتاری بشر را دو چندان می‌کند، چرا که همه انسان‌ها زندگی را بر پایه مبانی فکری و ارزشی گزینش می‌کنند و برای بقا و دوام آن تلاش نموده و به راحتی تغییرات را نمی‌پذیرند (کوئن^{۱۵}، ۱۳۷۲: ۵۹). نای معتقد است که عناصر فرهنگی در هر صورت بسته به نوع استفاده کشور از آن می‌توانند منبع مولد قدرت نرم باشند به طوری که مثلاً در اروپای قرن هجدهم، رواج زبان و فرهنگ فرانسه آشخور اقتدار این کشور بود (نای، ۱۳۹۲: ۱۲۰). قدرت زبان به عنوان یکی از عناصر غیر مادی فرهنگی کاملاً روشن بوده و هم اکنون هم زبان انگلیسی به عنوان یکی از منابع اصلی قدرت نرم انگلستان محسوب می‌شود. البته کاملاً واضح و مبرهن است که نتایج استفاده از قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت و به خصوص از نوع فرهنگی آن، در دراز مدت به بار خواهد نشست و صبوری بسیاری را از سوی دولت مردان می‌طلبد چرا که به باور نای بر خلاف اهرم‌های سیاست‌گذاری که در دست دولت است، فرهنگ و ارزش‌ها ریشه در جوامع مدنی دارند (نای، ۱۳۹۲: ۱۲۲). بنابراین توسعه جامعه مدنی و تقویت ارزش‌های فرهنگی، ملی و میهنی باعث بالارفتن روحیه ملی و حس اعتماد ملی برای به کارگیری قدرت نرم خواهد شد. علاوه بر آنکه آگاهی مردم از نقش خود در ایجاد و اعمال قدرت نرم فرهنگی، ضریب اطمینان صحت عمل آن را به شدت بالا خواهد برد. هر یک از جذابیت‌های فرهنگی از سوی کشورها در صورتی که دارای جذابیت منطقه‌ای و بین‌المللی باشند می‌توانند در یک فضای گفتمانی توجه دیگران را به خود جلب کنند. وارد شدن دیگران به فضای گفتمانی جذاب مبتنی بر فرهنگ یک کشور، آن کشور را به فضایی رویایی برای رسیدن به اهداف خود بدون توسل به زور و خشونت و صرفاً با توسل به اغواگری و ایجاد جذابیت‌های کاذب فرهنگی تبدیل می‌کند. غنای فرهنگی در این زمینه بسیار مهم است. پر واضح است که فرهنگ‌های منسوخ و به فراموشی سپرده شده جایی در این کارزار ندارند و فرهنگ‌هایی موفق و

مورد توجه هستند که علاوه بر زنده و پویا بودن، دارای عناصری قابل توجه از جذابیت بوده و دیگران را به خود می‌خوانند. این جذابیت‌ها را می‌توان در خلق انواع مختلفی از آثار هنری (موسیقی، شعر، نقاشی، معماری و سینما)، علمی (جایگاه و موفقیت‌های علمی و موقعیت دانشمندان) و تمدنی (ایجاد گفتمان فرهنگی مبتنی بر سنت‌ها و آداب و رسوم جذاب پیشینیان) مشاهده نمود. مثلاً در حوزه فرهنگ به عقیده نای اول اینکه همه بخش‌های یک فرهنگ ملی قابل تبدیل به قدرت نرم نیست بلکه آن بخش‌هایی از فرهنگ که برای دیگران جذابیت دارند از منابع قدرت نرم محسوب می‌شود. دوم اینکه، فرهنگ‌های محلی و ناحیه‌ای کمتر قابل تبدیل به قدرت نرم هستند (نای، ۲۰۱۱: ۸۴). مهم‌ترین کارکرد قدرت نرم را در حوزه فرهنگی می‌توان مشاهده نمود چرا که در این حوزه تولید جذابیت به منظور اقلان‌سازی و تأثیرگذاری فرهنگی صورت می‌گیرد و دیگر بخش‌ها را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار می‌دهد.

۲-۲-۱-۲ ارزش‌های سیاسی

ارزش‌های سیاسی وقتی که مبنای عمل قرار می‌گیرند هویت‌ساز می‌شوند. ارزش‌های سیاسی خود بخشی از فرهنگ سیاسی هر ملتی هستند. آلموند^{۱۶} و پاول^{۱۷} در تعریف فرهنگ سیاسی و ویژگی‌های آن می‌گویند: هر فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از باورها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است. همان گونه که باورهای افراد بر اعمال آنها اثر می‌گذارد، فرهنگ سیاسی یک ملت نیز بر رفتار شهروندان و رهبران در سراسر نظام سیاسی اثر می‌گذارد (احمدی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). ارزش‌های سیاسی می‌توانند معیار سنجش قدرت و ظرفیت یک نظام یا مکتب سیاسی در مواجهه با بحران‌های داخلی و خارجی باشند. به طوری که اگر ارزش‌های سیاسی یک مکتب یا نظام به گزاره‌ای جهانی تبدیل شوند امکان برقراری ارتباط و کنش و واکنش را با عناصر نظام جهانی بسیار سهل‌تر و آسان‌تر خواهند کرد و بر عکس در صورتی که ارزش‌های سیاسی بر خلاف و در جهت عکس ارزش‌های سیاسی قدرتمند نظام بین‌المللی باشند با مقاومت، حذف و تعدیل روبرو خواهند شد. نای به عنوان نمونه می‌گوید: عقیده‌ها و ارزش‌های آمریکایی از طریق دانشجویانی که همه ساله فارغ‌التحصیل می‌شوند و به کشورهایشان باز می‌گردند، صادر می‌شود. اغلب رهبران چینی پسر یا دختری دارند که تحصیل کرده آمریکاست. تماس‌های در سطح عالی، اغلب برای ایالات متحده در طول جنگ سرد، قدرت نرم به وجود آورد (نای، ۲۰۰۴: ۵۴). تبدیل شدن ارزش‌های سیاسی یک کشور در بعد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و اعتقاد به اعتماد به درستی و کارایی آن‌ها در مواقع ضروری و تأکید بر اجرای آن‌ها از سوی دولت و ملت می‌تواند نویدبخش استفاده از این منبع قدرت نرم در جهت رسیدن به

16. Almond

17. Powel

اهداف مطلوب باشد. ضرورت تأکید مداوم دولت و ملت بر روی ارزش‌های سیاسی و عمل مداوم بر اجرای آن‌ها موجب به وجود آمدن جذابیت برای ارزش‌ها و اقناع بین‌المللی برای تفکر در مورد پذیرش و اجرای آن‌ها خواهد بود. اگر چنین اتفاقی حاصل شود می‌توان گفت که ارزش‌های سیاسی آن کشور به یک منبع مهم قدرت نرم از منظر جوزف نای تبدیل شده‌اند. یعنی جذابیت داخلی ارزش‌ها در یک قوس صعودی به جذابیتی بین‌المللی برای ارزش‌های سیاسی آن کشور تبدیل می‌شوند. بنابراین ارزش‌های سیاسی، منبعی از منابع قدرت نرم به شمار می‌آیند به شرطی که در داخل و خارج کشور، مورد توجه و مشروع باشند (نای، ۲۰۱۱: ۸۴). تأکید نای بر مشروع بودن این ارزش‌ها ناشی از اهمیت پذیرش ذهنی آن‌ها توسط مخاطب بوده و در نتیجه این امر نشان دهنده تأثیر گذاری امور ذهنی بر ادراکات رفتاری افراد است. بنابراین نای بر عنصر خواستن دیگران از یک طرف و توانایی ارزش‌های سیاسی یک کشور در جذاب و محق نشان دادن خود از طرف دیگر برای تأثیر گذاری تأکید می‌کند.

۲-۲-۱-۳-۳-۲-۲-۳-۲-۳-۲-۳-۲-۳-۲-۳-۲-۳-۲-۳-۲-۳-۲-۳

سیاست خارجی هر کشوری در سطح بین‌المللی، بیانگر اهداف، آرزوها و جهان‌بینی آن کشور و به نوعی چهره ظاهری هر کشوری در محیط بیرون از خود است. کشورها می‌توانند از خود چهره‌ای زیبا، مشخص و دارای مشروعیت را به جهانیان عرضه کنند و یا بر عکس چهره‌ای زشت، غیر مشخص و بدون مشروعیت را به نمایش بگذارند. این موارد به عملکرد سیاست خارجی و کارگزاران این حوزه بستگی بسیار دارد. موضوعی که نای در حوزه مطلوبیت‌های سیاست خارجی به عنوان یکی از منابع قدرت نرم اشاره می‌کند، چنانچه دیگران آن را مشروع بدانند و مرجعیت اخلاقی آن را بپذیرند است. در حقیقت به عقیده نای، آن شکلی از سیاست خارجی مدنظر وی است که دیگران (جامعه بین‌المللی) آن را مشروع (قانونی و مطابق هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی) دانسته و مرجعیت اخلاقی (عدم ایراد خدشه در ارزش‌های پذیرفته شده بشری) آن را بپذیرند. هر چه مشروعیت سیاسی یک کشور در اذهان و افکار عمومی جهان افزایش یابد، میزان همکاری‌های بین‌المللی، به تناسب، توسعه خواهد یافت زیرا واحدهای سیاسی، تنها از طریق همکاری‌ها، مناسبات و مبادلات فرهنگی فی‌مابین است که منافع و اهداف یک کشور را مورد شناسایی قرار می‌دهند (عیوضی و پارسا، ۱۳۹۲: ۱۰۴). در نگاه اولیه مبتنی بر قدرت نرم به موضوع سیاست خارجی، دیپلماسی به عنوان کارآمدترین ابزار اعمال سیاست خارجی شناخته می‌شود. بر مبنای تمایز میان اهداف، مجریان، مخاطبان و روش‌های دستیابی به اهداف سه شیوه دیپلماسی رسمی، دیپلماسی عمومی و اجرای غیررسمی سیاست خارجی از یکدیگر تفکیک می‌شود (سجادپور و مهدی زاده، ۱۳۹۱: ۸۵). در دیپلماسی رسمی دولت‌ها و کارگزاران نشان‌دار و رسمی نظام سیاسی مسئول اجرای سیاست خارجی هستند. در این روش از صلح‌آمیزترین روش‌ها تا منازعه‌آمیزترین آن‌ها همه حول این محور می‌گردند که در فرآیند

ارتباطی که می‌توان اعمال سیاست خارجی دانست، پیام‌ها به روش نیابتی و از طریق مقامات تصمیم‌گیرنده طرف مقابل منتقل شوند (هالستی^{۱۸}، ۱۳۷۳: ۲۴۹). دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آن‌ها اطلاع‌رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی دیگر کشورها است. ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر، مبادلات فرهنگی، رسانه‌های عمومی و اینترنت است (آلتون^{۱۹}، ۱۳۷۵: ۳۲۶). در دیپلماسی عمومی گستره فعالیت وسیع‌تر شده و از حالت رسمی و دولت‌ها خارج می‌شود. در اینجا مخاطب فقط کشورها نیستند بلکه صحنه عمومی بین‌المللی جولانگاه دولت‌ها در به کارگیری دیپلماسی عمومی است. در اینجا آنچه به مخاطب ارائه می‌شود، تصویری است که به اتکای استراتژی‌های کلی سیاست خارجی تعریف و توجیه شده و از سوی دیگر حامل الگوهایی است که به واسطه آن‌ها می‌توان سیاست خارجی آن کشور را مشروع جلوه داد (دوتا^{۲۰} و برگمن^{۲۱}، ۲۰۰۶: ۱۰۴). اجرای غیررسمی سیاست خارجی با دو شیوه قبل متفاوت است. این مورد عبارت است از رجوع به مبانی فرهنگی سیاست خارجی، به گونه‌ای که با استفاده از ابزارهای نوین حاصل از فناوری‌های اطلاعاتی بستر لازم برای پذیرش الگویی خاص از رفتارهای خارجی یک کشور، در میان مخاطبان به وجود آید. دولت مبدأ گفتمان نیز، با پیوند دادن مبانی فرهنگی _ هویتی سیاست خارجی خود با این گفتمان در تلاش برمی‌آید تا از چنین بستری برای افزایش نفوذ خود بهره‌برداری نماید (سجادپور و مهدی زاده، ۱۳۹۱: ۸۵). در اجرای غیررسمی سیاست خارجی نقش فرهنگ کشور مجری بسیار پررنگ است. در این مورد فرهنگ کشور در صورتی که کهن، قوی، بارور و دارای ارزش‌های مورد قبول عمومی و جهانی باشد، بار گفتمان‌سازی و انتقال مفاهیم و مطالبات سیاسی کشور در عرصه بین‌المللی را به دوش می‌کشد.

برخی از منتقدین نای در خصوص جذابیت‌های قدرت نرم این شبهه را مطرح کرده‌اند که ممکن است «ارزش‌های یک بازیگر در شرایط خاص به جای ایجاد جذابیت، تنفر تولید کند (جیانگ لی، ۱۳۹: ۴۵-۴۲). همچنین نای توضیح نمی‌دهد که چه ارتباطی بین هویت بازیگران و نحوه اعمال قدرت نرم وجود دارد؟ آیا هویت‌های ایدئولوژیک نیز می‌توانند به همان اندازه هویت‌های لیبرال موجود، قدرت نرم باشند یا خیر؟ بنابراین نوع و روش استفاده از یک منبع قدرت می‌تواند به تولید جذابیت و یا تنفر ختم شود. مثلاً استفاده ابزاری از مفاهیم حقوق بشر، تروریسم و دموکراسی و تعریف استانداردهای دوگانه از سوی آمریکا به جای تولید جذابیت موجب تولید نفرت در کشورهای منطقه خاورمیانه و جهان اسلام و ایجاد به هم ریختگی نظم موجود در منطقه و محیط بین‌المللی شده

18. Holsti

19. Olton

20. Dutta

21. Bergman

است، در حالی که به عقیده نای حفظ نظم جهانی جزء منافع ایالات متحده محسوب می‌شود (نای، ۱۳۷۸: ۱۲۵). همچنین نای اشاره نمی‌کند که چگونه می‌توان با منابع مورد نظر قدرت نرم، دست به تولید جذابیت زد و به بازتولید آن در آینده امیدوار بود. چون همان طوری که گفته شد یک منبع جذاب می‌تواند در شرایط خاص به یک منبع ایجاد نفرت تبدیل شده و در نهایت چهره عریان و زمخت خود را در قالب قدرت سخت نشان دهد. در عین حال مهم‌ترین ویژگی قدرت نرم در مقام اثرگذاری نسبت به قدرت سخت این است که بازدهی قدرت سخت کوتاه و نزدیک و بازدهی قدرت نرم بلندمدت و طولانی است. بنابراین قدرت نرم را می‌توان نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت برای رسیدن به راهبردهای یک کشور در نظر گرفت. در مقام نقد نظر نای در خصوص قدرت نرم می‌توان به موارد زیر به عنوان ویژگی‌های قدرت نرم اشاره کرد:

الف- تفکیک بین اخلاق و قدرت: این قدرت مقید به اخلاق نیست و اگر هم در جایی به آن استناد کند استفاده ابزاری از اخلاق برای رسیدن به هدف است.

ب- مرجعیت مادی (ماده‌گرایی): بسیاری از منابع قدرت نرم غیرمادی هستند. اما چون مبنای تفکر غربی بر مادی‌گرایی استوار است از این منابع غیرمادی غافل مانده است. مفاهیمی چون ایمان و عمل صالح را می‌توان از این دست نام برد.

ج- تفاوت در به‌کارگیری ابزار: در این نوع قدرت هدف وسیله را توجیه می‌کند در حالی که در برخی از جهان‌بینی‌ها مانند اسلام که خود از منابع بی‌شماری از قدرت نرم برخوردار است چنین اجازه‌ای به هیچ کس داده نشده است.

د- غریزه محوری: جذابیت مورد تأکید در قدرت نرم بر غریزه انسانی استوار است. بنابراین این قدرت کلاً در اختیار ارضای غرایز انسانی قرار می‌گیرد و انسان را تک ساحتی می‌بیند.

ه- محدود کردن عوامل اثرگذار به جذابیت: هر چند تولید جذابیت بهترین روش تأثیرگذاری است، اما تأکید بیش از حد نای به مفهوم جذابیت در قدرت نرم باعث فراموشی دیگر ابعاد مانند روابط مؤثر، احساسات و عاطفه در این نوع قدرت شده است.

و- محدود کردن راه‌های محقق کردن اهداف به شیوه‌های اثرگذاری: دلیلی برای محدود کردن راه‌های کسب نتیجه به اثرگذاری وجود ندارد چون اثرگذاری فقط یکی از راه‌های کسب نتایج است و روش‌های دیگری را هم می‌توان برای اثرگذاری انتخاب کرد مانند استفاده از قدرت ایمان برای اثرگذاری (کرباسی، ۱۳۹۱: ۱۷).

۲-۳ قدرت هوشمند

تحلیل و نقد مفهوم قدرت از سوی نای پس از اشاره به قدرت نرم متوجه مفهوم قدرت هوشمند می‌شود. علت مطرح شدن قدرت هوشمند از سوی نای، ناکارآمدی و محدودیت به‌کارگیری قدرت

سخت و نرم است. کار ویژه خاص هرکدام از این دو نوع موجب به وجود آمدن مشکلات زیادی برای کشورها در راه کسب منافع خویش است. نای در خصوص ناکارآمدی قدرت سخت صرف می‌نویسد: فرآیند تبدیل قدرت از منابع به نتایج رفتاری، یک متغیر میانی حساس و تعیین‌کننده است. برخورداری از منابع قدرت، ضامن کسب نتایج دلخواه در همه شرایط نیست. لازمه تبدیل منابع به قدرت ملموس، به مفهوم کسب نتایج دلخواه، راهبردی بهینه و مدیریتی مدبرانه است. آنچه من آن را قدرت هوشمند می‌دانم (نای، ۱۳۹۲: ۳۰). از طرف دیگر تحولات عصر جدید و دوران ارتباطات گسترده و فناوری‌های نوین و شبکه‌ای شدن ارتباطات در حوزه‌های عمومی و خصوصی، اعمال قدرت را با شیوه‌های جدید امکان‌پذیر کرده است. بنابراین در عصر جهانی موفقیت در مدیریت این شبکه‌های عمومی و خصوصی، به استعداد، هوش محیطی و اشکال نوین قدرت وابسته است (نای، ۱۳۸۷). بنابراین قدرت هوشمند تحولی شهودی در موضوع قدرت است که مخاطبان اصلی آن را دولت‌ها، نخبگان سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ و نهادهای حکومتی تشکیل می‌دهند (ویلسون^{۲۲}، ۲۰۰۸: ۱۱۱). تأکید بر مفهوم شهودی در این نوع از قدرت به واسطه کیفی‌گرایی آن و دوری از کمیت‌های سخت افزارانه آن است. انقلاب ارتباطات، گسترش فضای مجازی و جهان شبکه‌ای، ظهور بازیگران فرا دولتی و درنوردیده شدن مرزهای زمانی و مکانی و در یک کلام، تفوق اندیشه جهانی شدن و دهکده جهانی زمینه‌های لازم برای ظهور قدرت هوشمند را آماده نمود. بنابراین قدرت هوشمند پلی است بین امکان و عدم امکان، بین توانایی بالفعل و توانایی بالقوه و ترکیب ماهرانه و هوشمندانه آن‌ها برای نیل به هدف. شاید بتوان قدرت هوشمند را اتحاد پیچیده علم و دانش و ارتباطات دانست. در قدرت هوشمند، یک کشور به طور هوشمندانه همه داشته‌های مادی و معنوی منابع قدرت خود را برای کسب مطلوبیت‌ها به کار می‌بندد. هوشمندی و همه‌جانبه‌نگری کارگزاران سیاسی در تولید قدرت هوشمند و تبدیل تهدیدها به فرصت بسیار مهم است. قدرت هوشمند برآیند نقاط قوت و حذف نقاط ضعف در قدرت سخت و نرم است. نای معتقد است قدرت هوشمند تلفیق به کارگیری هر دو نوع قدرت سخت و نرم است و در مثالی از کشور چین می‌گوید: چین با تلفیق پویایی قدرت سخت و خوانشی‌گیرا از قدرت نرم، چشم به قدرت هوشمند دوخته، در پی القای مفهوم خیز آرام خود بود و در نتیجه جویای موازنه‌ای با قدرت رقیب (نای، ۱۳۹۲: ۱۰). از منظر نای در قدرت هوشمند توانایی نظامی بازتعریف می‌گردد. قدرت سخت با توانایی و قدرت نظامی همگام است. اما زمانی که قدرت سخت از طریق رویه‌های نرم به کار گرفته می‌شود، قدرت هوشمند تولید می‌نماید (نای، ۲۰۰۴: ۳۷). در واقع قدرت هوشمند ترکیبی است از قدرت سخت زور و تطمیع با قدرت نرم جذب و ترغیب (نای، ۱۳۹۲: ۱۵). پیچیدگی معنا و مفهوم قدرت در جهان امروز که محصول پیچیدگی روندهای تولید قدرت بین کشورها در سطوح داخلی و بین‌المللی است، باعث شده است که

۱۴۵

دو فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

حسین مسعودیان و همکاران

تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم و هوشمند)

اعمال قدرت برای رسیدن به مطلوبیت‌ها نیز همراه با پیچیدگی‌های فراوان باشد. نای در جهت تأکید بر این موضوع می‌گوید: قدرت نرم صرف، حلال همه مشکلات نیست. تماشای فیلم‌های هالیوودی توسط کیم ایل جونگ^{۲۳}، رهبر کره شمالی، هیچ سایه‌ای بر برنامه تسلیحات هسته‌ای این کشور نیانداخته است. استفاده از قدرت نرم برای ترغیب دولت طالبان [در افغانستان] به قطع حمایت آن از القاعده در سال‌های ۱۹۹۰ نیز بی‌حاصل بود و در نتیجه چاره‌ای جز بهره‌گیری از قدرت سخت نظامی در سال ۲۰۰۱ نماند (نای، ۱۳۹۲: ۱۵). بر همین اساس نای پیشنهاد می‌کند که آمریکا، به دلیل افت اعتبار و نفوذ این کشور در سالیان اخیر، گریزی جز این ندارد که به جای القای ترس و واهمه، الهام‌بخش امید و خوشبینی در جهان باشد (نای، ۱۳۹۲: ۱۶). در تقسیم‌بندی سه‌گانه نای از قدرت، هر کدام از عناصر قدرت سخت، نرم و هوشمند در جای خود مفید فایده هستند و برای جلوگیری از این سوءبرداشت که قدرت هوشمند از قدرت نرم برتر است می‌گوید: قدرت هوشمند را نمی‌توان مرحله‌ای از قدرت نرم قلمداد کرد. این قدرت ترکیب از دو قدرت سخت و نرم و تبدیل آن به راهبردهایی برای شرایطی دگرسان است (نای، ۱۳۹۲: ۱۶). می‌توان گفت که قدرت هوشمند، قدرت پایدار است. زیرا در ذات خود استفاده از ابزارهای سخت قدرت سخت، ابزارهای نرم قدرت نرم و همین‌طور هوشمندی همه‌جانبه نگر و در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی برای استفاده از آن را دارد. شکل‌گیری مفهوم قدرت هوشمند در اندیشه نای را باید محصول پیچیدگی‌های موجود در عصر حاضر دانست. تنوع بازیگران رسمی و غیررسمی و پیچیدگی و سهولت ارتباطات و تفسیر پردازی‌های متنوع از قدرت و نیل به اهداف مستلزم اشاره به نوعی قدرت ترکیبی و ارتقاء یافته در اندیشه وی است. نای با اشاره به مفهوم قدرت هوشمند سعی می‌کند برای پیچیدگی‌ها و چالش‌های موجود در عرصه تصمیم‌گیری زمامداران راه حلی ارائه کند و نظمی درخور به حوزه قدرت در روابط بین‌الملل ببخشد. در حقیقت این قدرت توانایی این را دارد که بین اهداف و منابع موجود تناسب سازی لازم را انجام دهد و به نحوی هوشمندانه از هر نوع قدرتی در مسیر خاص خودش بهره‌برداری لازم را بنماید. این قدرت می‌تواند نماینده حکمرانی مطلوب و موفق برای یک کشور باشد.

۱-۳-۲ منابع قدرت هوشمند

قدرت هوشمند نیز همانند قدرت سخت و نرم دارای منابعی است. در بهره‌برداری از این منابع هر کشوری با توجه به داشته‌های مادی و معنوی منابع قدرت می‌تواند از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده کند. سه منبع اصلی برای قدرت هوشمند متصور است که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم.

۲-۳-۱-۱ منابع مادی

حوزه‌های فناوری در ارتباط با منابع قدرت هوشمند شامل، فناوری‌های حساس برای تولید و بازپروری مواد، ساخت و تبدیل کالاهای استراتژیک در حوزه‌های نظامی، زیست محیطی و اقتصادی است. بر این اساس، بهره‌گیری از ابزارهای قدرت فناوری می‌تواند جایگاه و موقعیت ویژه و تعیین‌کننده‌ای برای واحدهای سیاسی ایجاد نماید (وزارت دفاع آمریکا، ۲۰۰۲: ۵۳).

۲-۳-۱-۲ منابع مجازی

ابزارهای مجازی قدرت هوشمند می‌توانند حامل پردازش، ذخیره و انتقال اطلاعاتی باشند که در حوزه‌های نرم مورد استفاده قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، تمام مؤلفه‌های قدرت مجازی در حوزه‌های ارتباطات و اطلاعات، امکان بسیج و منعکس سازی قدرت هنجاری یک کشور را در حوزه‌های جغرافیایی دور دست فراهم می‌سازند که این روند همواره و به گونه‌ای پایان‌ناپذیر در حال تحول و تکامل است (گلدبرگر^{۲۴}، ۱۹۹۵: ۱۹).

۲-۳-۱-۳ منابع معنوی

قدرت هوشمند از طریق عقلانیت ماهوی در صدد کنترل روح، احساس و درک جوامع دیگر است. اگرچه مؤلفه‌های یاد شده دارای نشانه‌های فرا مادی- فرا ابزاری هستند، اما واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌های بالا، نیازمند شاخص‌ها و مؤلفه‌های معطوف به تأثیرگذاری و کنترل پویایی محیط درونی سایر کشورها می‌باشند (متقی، ۱۳۸۷: ۷۵). توجه بیش از پیش کشورها به شناسایی منابع قدرت هوشمند خود و استفاده از آن‌ها به جای قدرت سخت و حتی نرم معطوف به تغییرات محیط بین‌المللی بعد از فروپاشی جهان دوقطبی و جنگ سرد است. بنابراین، از بین سه منبع اصلی قدرت از دید نای استفاده از قدرت هوشمند علیرغم پیچیدگی‌های ذاتی آن در اولویت استفاده قرار دارد و کشورهای قدرتمند در آینده ناگزیر به استفاده از این نوع از قدرت به جای انواع دیگر هستند و در حقیقت استفاده هوشمندانه از قدرت، یعنی استفاده از تمام منابع قدرت اعم از سخت، نرم و هوشمند است.

در جدول زیر سه منبع قدرت مورد اشاره به صورت مقایسه‌ای مورد اشاره قرار گرفته است:

۱۴۷

دو ضلع علم علی- پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

حسین مسعودی و همکاران

تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم و هوشمند)

نگاره شماره (۱) - مقایسه سه قدرت سخت، نرم و هوشمندانه در سطوح مختلف (بشیر،

(۱۴:۱۳۹۱)

ردیف	نوع قدرت	مؤلفه‌ها	مهارت‌ها	ابزارها	چالش‌ها
۱	سخت	۱- اجبار ۲- تهدید ۳- ترس ۴- تطمیع	۱- ظرفیت‌های سازمانی ۲- مهارت‌های سیاسی	۱- عملیات نظامی ۲- کنش‌های دیپلماتیک ۳- عملیات روانی / اطلاعاتی	بروز تنفر
۲	نرم	۱- ارزش‌های مشترک ۲- منافع مشترک ۳- جایگاه گروهی ۴- الگو پردازی	۱- ایجاد چشم‌انداز جذاب و قابل وصول ۲- ایجاد ارتباطات مؤثر ۳- هوش هیجانی ۴- مهارت‌های سازمانی	۱- دیپلماسی عمومی ۲- دیپلماسی فرهنگی / ارتباطی ۳- تصویرسازی ملی	احساس فریب خوردن و بی‌اعتباری و بی‌آبرویی اعمال کننده قدرت
۳	هوشمند	۱- هوشیاری محیطی ۲- مسیریابی ۳- سرعت واکنش ۴- انعطاف پذیری ۵- تناسب اهداف و سرمایه‌های قدرت ۶- ترکیب مناسب منابع قدرت ۷- یادگیری / رشد	مهارت‌های ساختاری	۱- ابزارهای نرم و سخت با ماهیت هوشمندانه ۲- ابزارهای حساس در مقابل تغییر	۱- نبود یک یا چند مورد از مؤلفه‌ها ۲- استفاده از قدرت هوشمندانه برای اهداف احمقانه

تجزیه و تحلیل در آراء و اندیشه نای نشان‌دهنده این موضوع است که در شرایط امروزی کشورها در حال حرکت به سمت منابع هوشمند قدرت هستند. دشواری‌ها و مضرات به‌کارگیری منابع سخت قدرت و سهولت و جذابیت به‌کارگیری شیوه‌های نرم و هوشمند قدرت باعث شده تا کشورهای قدرتمند برای حفظ و ارتقای جایگاه خود در محیط بین‌المللی و کشورهای کوچک برای بقا و استفاده مناسب از ظرفیت‌های خود به سمت شناسایی و به‌کارگیری منابع قدرت نرم و هوشمند خود حرکت

کنند. بنابراین، امروزه شیوه‌های اعمال قدرت با آنچه در ذهن‌ها مانده است بسیار پیچیده و سخت شده است. هر چند استفاده از منابع نرم و هوشمند قدرت برای کشورها پرستیژ را به ارمغان آورده است ولی نباید از پیچیدگی‌های خاص به‌کارگیری آن‌ها شامل مهارت‌ها و ابزارها غافل شد. به‌کارگیری قدرت هوشمند نیازمند انعطاف‌پذیری و صبر استراتژیک است که از توان هر دولتی خارج است و تنها آن‌ها که از داشته‌های قدرتمند علم و دانش، فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، شناخت و درک صحیح از روابط بین دولت‌ها و ملت‌ها و صبری هوشمندانه برخوردارند به آن دست می‌یابند.

نتیجه‌گیری

در عصر حاضر بزرگ‌ترین جابه‌جایی و انتقال در حوزه قدرت و اعمال آن صورت گرفته و قدرت از مفهوم سخت آن به مفهوم نرم و اکنون با عنوان قدرت هوشمند قابل‌شناسایی و ارزیابی است. در این جابه‌جایی بزرگ هیچ‌کدام از مفاهیم قدیمی قدرت از بین نرفته‌اند بلکه مفاهیم جدیدتر به واسطه کارایی و توانایی مهندسی ترجیحات و تولید ارزش‌های قدرتمند مورد توجه قرار گرفته‌اند. از منظر نای مفهوم قدرت در یک حرکت تدریجی جوهری از شیوه‌های زمخت، خشن و هزینه‌بر تبدیل به شیوه‌های نرم، جذاب، قابل‌پذیرش و کم‌هزینه و در نهایت به شیوه‌ای هوشمندانه همراه با به‌کارگیری جدیدترین ابزار و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی شده است. نای در تقسیم‌بندی خود به سه نوع سخت، نرم و هوشمند از قدرت اشاره می‌کند. وی معتقد است که حداقل به دلایل وابستگی متقابل اقتصادی، بازیگران فراملی، ناسیونالیسم در دولت‌های ضعیف، گسترش فناوری و تغییر مسائل سیاسی دولت‌ها را در استفاده از منابع سنتی قدرت با محدودیت مواجه کرده است. به نظر نای این امور در آینده نیز ادامه خواهند داشت. بنابراین توصیه نای برای باقی ماندن قدرت و حفظ منافع یک کشور، حرکت از قدرت سخت به سمت قدرت نرم و در نهایت به وجود آوردن ترکیبی بهینه و مؤثر از جوه قدرت تحت عنوان قدرت هوشمند است. در نظر نای هوشمندی در به‌کارگیری قدرت یعنی استفاده بهینه، به جا و زیرکانه از منابع موجود قدرت در حوزه‌های سخت و نرم است. در حقیقت نای هیچ‌کدام از انواع قدرت را نفی نمی‌کند بلکه با توجه به موقعیت زمانی و مکانی به‌کارگیری ترکیبی و توأم آن‌ها را امری هوشمندانه و در راستای منافع ملی کشور می‌داند. نای استفاده از قدرت در جهان امروز را مهندسی شده پیشنهاد می‌کند که بر مبنای نگرش‌هایی جدید به حوزه فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی استوار است. این پیشنهاد نای معطوف به تغییرات فراوان محیط بین‌المللی و بازیگران جدید این حوزه است. قدرت هوشمندانه‌ای که نای از آن نام می‌برد قدرتی است که در محیط پرآشوب بین‌المللی توانایی راهبری و مدیریت دیگر منابع قدرت را در اختیار رهبران یک نظام سیاسی قرار می‌دهد تا بتوانند از منافع خود دفاع کرده و به مطلوبیت‌های مورد نظر خود با کمترین هزینه و تنش دست پیدا کنند. بر همین اساس توانایی تحمیل خواست و اراده خود به دیگران در دنیای جدید با استفاده از امکانات قدرت نرم و هوشمند بسیار آسان‌تر و قابل‌اعتمادتر شده است. علاوه بر

این در دنیای جدید دیگر دولت‌ها در حوزه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای اعمال قدرت مختار نیستند. خیل عظیم رسانه‌های تبلیغاتی و ارتباطی خصوصی، گسترش اغوا گرایانه اینترنت و فضای مجازی، احزاب، گروه‌ها، صاحبان نفوذ و جامعه مدنی قدرتمند بر آمده از گردش آزاد اطلاعات و ارتباطات، دولت‌ها را فقط به یکی از بازیگران - هرچند مهم - عرصه قدرت تبدیل کرده است. بر همین اساس دولت‌ها به دنبال تشکیل ائتلاف‌هایی در داخل، منطقه و بین‌الملل هستند تا بتوانند قدرت خود را اعمال کرده و به اهداف مطلوب خود دست یابند. امروزه دولت‌ها و به خصوص کشورهای قدرتمند دریافته‌اند که برای ماندگاری در صحنه بین‌الملل و دستیابی به اهداف خود باید ورای استفاده از قدرت سخت به عنوان یک ابزار مهم بازدارندگی، ابزارها و منابع خود در را حوزه‌های قدرت نرم و هوشمند ارتقا داده و از طریق اغواگری و تولید جذابیت و با استفاده از قدرت اقناع دیگران را به سمت برآورده سازی اهداف خود ترغیب و جلب نمایند. برای این منظور شناسایی منابع بالقوه منابع قدرت و تبدیل آن‌ها به منابع بالفعل بسیار مفید فایده خواهد بود. نکته مهم و قابل توجه در ارزیابی نهایی نظریه نای در بازآرایی مفهوم قدرت در عصر جدید این است که علی‌رغم تلاش‌های نای در اثبات تبدیل شونده‌گی قدرت و عوض شدن ساحت اعمال قدرت دولت‌ها و پیش‌بینی عدم کارایی منابع سنتی و سخت قدرت، امروزه و در سال‌های پایانی دهه دوم قرن بیست‌ویکم شاهد وقوع جنگ‌های ویرانگر و تلاش دولت‌های قدرتمند همچون آمریکا و روسیه در به کارگیری فناوری‌های جدید برای نو سازی و تولید نسل جدید از سلاح‌های هسته‌ای هستیم. بر مبنای نظریه نای در حوزه قدرت اصولاً کشورها با تلاش برای دستیابی به قدرت نرم و هوشمند روز به روز از صحنه قدرت سخت و به‌کارگیری منابع آن دورتر خواهند شد، اما اتفاقات اخیر در خاورمیانه و دخالت قدرت‌های بزرگ در جنگ‌های نیابتی و مستقیم، نوعی آشفتگی را در نظریات روابط بین‌الملل و قدرت به وجود آورده است. ظهور ترامپ در آمریکا و بن سلمان در قلب خاورمیانه نشان‌دهنده ناپایداری نظریه نای در حوزه قدرت نرم و هوشمند بوده و تجاوزهای مکرر به کشورهای مستقل به بهانه‌های حقوق بشری و مبارزه با تروریسم نشان‌دهنده سوءاستفاده دولت‌های زورگو و مستبد از بی‌نظمی موجود در روابط بین‌الملل است. بنابراین استفاده از قدرت در جهان امروز نه تنها از قدرت سخت خالی نیست بلکه در یک ترکیب جدید و پیچیده که می‌توان آن را فراتر از قدرت هوشمند دانست دستیابی به هدف و مهار کردن طرف مقابل به هر طریق را به وجود آورده است و نفی‌کننده تمام خوش‌بینی‌ها در ایجاد جهانی امن در آینده است.

منابع و مأخذ:

الف- فارسی

- آدمی، علی و قرشی، سیده مهدیه (۱۳۹۵)، افول قدرت نرم آمریکا: شاخص‌ها و مؤلفه‌ها، فصلنامه سیاست جهانی، سال ۵، شماره ۴.
- احمدی، یعقوب (۱۳۹۱)، «فرهنگ سیاسی جوامع اسلامی» (با تأکید بر بررسی وضعیت ارزش‌های رهاینده)، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۱ (پیاپی ۳۳).
- بشیر، حسن (۱۳۹۱)، «جنگ غزه و قدرت هوشمند ایران»، ماهنامه مدیریت ارتباطات، شماره ۳۲، به نقل از (آشنا، ۱۳۸۸).
- پیشگاهی فرد، زهرا و دیگران (۱۳۹۰)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر ج ۱ ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، ش ۶۱.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، قدرت و امنیت در عصر پسامدرنیسم، انتشارات لقمان.
- تافلر، آلون (۱۳۷۵)، جابه‌جایی در قدرت، ترجمه شهین دخت خوارزمی، انتشارات سیمرغ.
- جیانگ لی، مینگ (۱۳۹۰)، قدرت نرم، پرورش یا طبیعت، عسگر قهرمانپور بناب، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ ۱۷، انتشارات سمت.
- دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۵)، قبض و بسط مفهوم قدرت در سامان فکری جوزف نای، نشریه جستارهای سیاسی معاصر، سال ۴، شماره ۳ (پیاپی ۹).
- دوورژه، موریس (۱۳۵۸)، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، جاویدان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، جلد‌های ۱۱، ۱۴ و ۳۶، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- راسل، برتراند (۱۳۶۷)، قدرت، ترجمه نجف دریا بندری، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.
- زنجانی، عمید (۱۳۶۶)، فقه سیاسی، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
- سجادیپور، سید محمدکاظم و مهدی زاده، علی (۱۳۹۱)، «اجرای سیاست خارجی، قدرت نرم و ارتباطات»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۷.
- سوری قرلیوند، حسین و رشیدی، مهدی (۱۳۹۰)، «بررسی نظری مفهوم قدرت نرم و منابع آن در ایران»، فصلنامه امنیت نرم، سال اول، شماره اول.
- شهرستانی، حسین (۱۳۹۱)، «حوزه خصوصی و قدرت نرم دولت»، ماهنامه سوره، شماره ۶۳-۶۲.
- عیوضی، محمدرحیم و پارسا، ونا (۱۳۹۲)، الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین‌الملل، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۹.

- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۰)، «الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، شماره اول.
- کرباسی، وحید (۱۳۹۱)، «بررسی و نقد قدرت نرم»، فصلنامه ره آورد سیاسی، سال ۹، شماره ۳۶.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه توسلی و فاضل، تهران، نشر اقبال.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «قدرت هوشمند و استراتژی تغییر چهره آمریکا در دوره اوباما»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۴۱، سال ۱۱.
- نای، جوزف (۱۳۸۲)، «قدرت نرم، سیاست خارجی»، ترجمه حسینی مقدم، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۹.
- نای، جوزف (۱۳۹۲)، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت در عصر اطلاعات: از واقع‌گرایی تا جهانی‌شدن، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی، جلد ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ صدم.
- نای، جوزف (۱۳۸۹)، قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: امام صادق (ع).
- نای، جوزف (۱۳۹۰)، «گفتگوی اینترنتی با جوزف نای مبدع نظریه قدرت نرم»، ماهنامه روابط فرهنگی، سال اول، ش ۴.
- هالستی، کی جی (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارمسری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
- هرسیج، حسین (۱۳۹۰)، «تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۳.

ب- انگلیسی

- Baylis, John.(2001). International and Global Security in the Post-cold War Era, in The Globalization of world Politics: An Introduction to nternational Relations, Oxford University Press.
- Cowie. A.P.(1989). Oxford Advanced Learners Dictionary. U K: Oxford U.
- Dutta-Bergman, Mohan J. (2006). U.S. Public Diplomacy in the Middle East: A Critical Cultural Approach, Journal of Communication Inquiry, Volume 30 Number 2.niversity Press.
- Goldberger, Marnin. (1995). Research- Doctorate Programs, Washington, D.C, National Academy Press.